

و تنها مقدار کار دلیل استعداد و فعالیت و لیاقت شناخته نشود آنوقت باز پرس ها و قضات سعی خواهند نمود تصمیمات آن ها طوری باشد که از لحاظ ارزش و کیفیت مورد پسند واقع گردد . و سطح ارزش تصمیمات قضائی که مدتی است رو به تنزل است ترقی خواهد نمود .

دکتر مرضی حسینی نهرالی

تشخیص اموال عمومی از خالصجات

موضوع تشخیص اموال عمومی از خالصجات یکی از مباحث مهمی است که از قدیم الایام مورد نظر علمای حقوق بوده و در زمان حاضر نیز فصولی چند از قوانین مدنی و اداری کشورهای متمدن باین مسئله اختصاص داده شده است :

رومیهای قدیم اموال عمومی را رس پوبلیکا یا لکاپوبلیکا مینامیدند یعنی اموالیکه متعلق به عموم بوده و خالصجات دولتی را رس فلیکالس یا رس فلیبی میخواندند .

اموال عمومی را نیز در زمان رومیها بدو قسمت منقسم میکردند یک قسمت که مورد استفاده عموم اهالی کشور بود مانند رودخانهها و طرق عمومی و قسمت دوم که فقط جنبه محلی داشت مثل بنا های شهرداری - همانطوریکه گفتیم هر دو قسمت مشمول اموال عمومی بوده با این توضیح که قسمت اول ملك تمام ملت روم فرض میشد در صورتیکه قسمت دوم تعلق بشهر معین داشت . در دوره اسلامی رودخانههای بزرگ - طرق و شوارع - سواحل دریاها و بطور کلی عموم اموالیکه طبیعتاً و عرفاً مورد استفاده عموم مسلمین بود قابل خرید و فروش و تملك خصوصی نبوده و در عداد اموال عمومی بشمار میرفت .

موقوفات بر مصارف بریه و منافع عامه را (که از زمان خلفای اسلامی تاکنون در میان مسلمانان معمول است) نیز باید جزء اموال عمومی دانست زیرا منظور و مفهوم این قبیل موقوفات اختصاصی عین یا منافع مال معین بامور عام المنفعه است و کاملاً تطبیق با « لیکاپوبلیکا » رومیهای قدیم میکند . (قوانین اسلامی راجع باموال عمومی با جزئی تصرفات صوری و توضیحات عیناً وارد قانون مدنی ایران گردیده است) .

قانون‌گذاران ایرانی تعریف جامع و مانعی از اموال عمومی نکرده و در قوانین مختلف بشمارش بعضی از انواع آن با توصیف پارهٔ مشخصات اکتفا کرده اند مثلاً فصل سوم قانون مدنی تحت عنوان « اموالیکه مالک خاصی ندارند » ضمن ذکر اراضی موات و اموال مجهول المالك در مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ راجع باموال عمومی بشرح زیر مقرر میدارد :

ماده ۲۴ « هیچکس نمیتواند طرق و شوارع عامه و کوچه هائی را که آخر آنها مسدود نیست تملك نماید » .

ماده ۲۵ « هیچکس نمیتواند اوالیرا که مورد استفاده عمومست و مالک خاصی ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب‌انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدانگاههای عمومی تملك نماید و همچنین است قنوات و چاههاییکه مورد استفاده عموم است » .

ماده ۲۶ « اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاک‌کریزهای نظامی قورخانه‌ها و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و اشیه سلطنتی و عمارات دولتی و سیمهای تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها بالجمله آنچه که از اموال منقوله و غیرمنقوله که دولت بعنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملك خصوصی نیست و همچنین است اموالیکه موافق مصالح عمومی بایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد »

بعضی دیگر از اموال عمومی در قوانین و آئین نامه‌های مخصوص ذکر گردیده از قبیل قانون اوقاف (موقوفات عامه) مصوب سوم دیماه ۱۳۱۳ شمسی

و قانون حفظ آثار عقیقه - مورخ ۱۲ آبانماه ۱۳۰۹ شمسی - تصویب نامه شماره ۱۶۷۹ مورخ ۱۳۱۱/۳/۱۸ شمسی راجع بمناطق سرحدی و اراضی مستعده ساحل و آئین نامه بندر های ایران و خالصجات دریائی که در جلسه مورخ ۲۴ دیماه ۱۳۱۷ طبق پیشنهاد شماره ۸۷۵۸ مورخ ۱۳۱۷/۱۰/۱۴ بتصویب هیئت وزیران رسیده و طی شماره ۱۴۴۷۳ مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۱۷ از طرف وزارت راه برای اجراء ابلاغ گردیده است .

مقررات قوانین و آئین نامه های فوق الذکر با یکدیگر تطبیق نمیکند و حتی بین بعضی از آنها تعارض بین دیده میشود مثلاً ماده اول تصویبنامه شماره ۱۶۷۹ مورخ ۱۳۱۱/۳/۱۸ میگوید « دولت موظف است از تملك اراضی مستعده ساحلی صرف نظر نماید » در صورتیکه آئین نامه بندر های ایران اراضی ساحلی را جزء خالصجات دریائی میداند بر اثر همین تناقض و ابهام عده از اهالی بندر پهلوی و گرگان اراضی مستعده ساحلی بحرخررا (بعنوان اینکه دولت حق تملك ندارد) متصرف شده و ادارات و وزارتخانه های مربوطه با وجود مذاکرات و مکاتبات متعددی که تا کنون بین آنها رد و بدل شده نتوانسته اند نتیجه مثبتی راجع بساین موضوع بدست آورند (رجوع شود بنامه های شماره ۱۰۹۷۴ - ۳۱۹۹۳۰ و شماره ۱۹۱۶۴ - ۱۳۲۱۳۱۷ نخست وزیر بعنوان وزارت دارائی و نامه شماره ۱۹۰۶۲ - ۱۳۱۱/۸/۲۱ بنگاه کل بهره برداری بعنوان وزارت دارائی و نامه شماره ۴۱۵۱ - ۱۳۲۲/۵/۲۶ اداره امتیازات و معاون به بنگاه کل بهره برداری)

بعلاوه عدم تشخیص اموال عمومی از خالصجات و خود داری از ذکر صفات ممیزه و مشخصات هر يك از آنها سبب گردیده که مقررات و آئین نامه متناقض در این خصوص مانند اراضی مستعده وضع گردیده است من باب مثال جزء ۲۲ ماده اول آئین نامه بنادر ایران را در اینجا ذکر میکنیم « حفظ انتظامات مناطق خالصه دریائی بمهند اداره بندر میباشد و خالصه دریائی عبارت است از رودهای بزرگ قابل کشتیرانی و کرجی رانی - جزیره نماها - بندرها - موج شکن ها - دماغه ها - کانالها - پیش بندرها - مردابها - و برآمدگی های میان مردابها و شطها و خشکی هائی که در اثر فرو نشتن آب در منطقه بندر پیدا و بکناره ملحق میشود »

بطوریکه ملاحظه میشود بنادر و رودخانه‌ها - پیش بندرها - کانالها مردابها که کلیه ملل متمدنه آنها را جزء اموال عمومی میدانند بموجب مقررات نامبرده در بالا در ردیف خالصجات ذکر گردیده است .

تعریف اموال عمومی و خالصجات و تشخیص آنها از یکدیگر فقط از جنبه‌ی صوری و ظاهری نیست بلکه از نظر آثار عملی و معنوی است که بعضی از آنها (اراضی مستحده ساحلی) که قبلاً گفته شد و بقیه نیز ذیلاً بطور خلاصه شرح داده میشود .

۱ - اموال عمومی بعلت وضع طبیعی (رودخانه‌ها) یا نحوه استعمال و استفاده (اینه تاریخی - کتابخانه‌های عمومی - موزه‌ها) مورد استفاده عموم بوده و بالتلیجه قابل مالکیت خصوصی نمیشد و عبارت دیگر این قبیل دارائی‌ها را نمیتوان توقیف کرد یا بسببی از اسباب (مرور زمان - بیع و شری - صلح و غیره) تملك نمود و یا نقل و انتقال داد .

۲ - ملك تشخیص املاك مزبور مصالح عامه و انتفاعات عمومی است بهمین جهت قانون مدنی علاوه بر اموال غیر منقول (پلها - آب انبارهای عمومی مدارس قدیمه - قنوت) اموال عمومی را شامل اموال منقول (اثاثیه سلطنتی عتیقه‌جات) نیز دانسته است (مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ قانون مدنی ایران مواد ۵۳۷ تا ۵۴۲ قانون مدنی فرانسه)

بنا بر همین اصل (استفاده عمومی و منافع عامه) است که باید اموال عمومی را از اراضی موات و مباحات تشخیص داد زیرا این قبیل اراضی با آنکه مانند اموال عمومی دارای مالک خصوصی نیستند ولی چون مورد استفاده عموم نمیشد طبق مواد ۲۷ و ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مدنی قابل حیازت و تملك می باشد .

منظور از ماده اول تهویب نامه شماره ۱۶۷۹ مورخ ۱۸/۳/۱۳۱۱ که دولت را موظف به صرف نظر کردن از تملك اراضی مستحده ساحلی کرده شناختن اراضی مزبور (بطوریکه تا کنون عملی شده) بعنوان اراضی موات و مباحات نیست بلکه نظر مقنن از مقررات فوق الذکر جلوگیری از تملك دولت بعنوان خالصه و ادخال آن در ردیف اموال عمومی است برای اینکه

همانطور که گفته اند بنا بر فرض اگر منظور آن بوده که طبق ماده ۲ تصویب نامه حقوق متصرفین فعلی اراضی به رسمیت شناخته شود علت نداشته است که بموجب ماده اول آن دولت از حراست و نگاهداری اموال عمومی چه در گذشته و چه در آینده صرف نظر نماید و باین ترتیب نسبت با اشخاص متفرقه نیز در درجه پائین تر قرار گیرد بعلاوه انصراف دولت از حقوق عمومی باید بنا بر مصالح عامه و با اجازه قانون صورت گیرد. رجوع نبود بنامه شماره ۱۹۱۶۴ - ۲۱۳۱۷ نخست وزیری که در پاسخ نامه شماره ۳۳۴۷۶ مورخ ۱۷/۱۲/۱۳۲۰ وزارت دارایی راجع با اراضی مستعدنه ساحلی خالصجات دریائی نوشته شده است.

۳ - استفاده عمومی و منافع عامه یا در نتیجه اثر وضعی و طبیعی مال است (رودخانه - ساحل دریا) یا اختصاص مال برای استفاده عمومی است (اختصاص کتاب بکتابخانه عمومی - اختصاص قطعه زمین برای جاده های کشوری) بنا بر این چنانچه اموال نامبرده از استفاده عمومی خارج شد، دیگر مشمول مقررات اموال عمومی نمیشود (رودخانه که بستر خود را تغییر میدهد) جاده که نظر با احداث جاده جدید متروک میگردد - قلاع نظامی که بر اثر عوامل فنی یا اقتصادی یا جغرافیائی اهمیت نظامی خود را از دست داده است)

۴ - حقوق دولت نسبت با اموال عمومی محدود بحر است و نظارت است (مثلا و خواهی نسبت به ثبتی که از طرف اشخاص نسبت باین اموال داده میشود) لکن متعلقات اموال مزبور ممکن است مورد بهره برداری قرار گیرد مانند دکاکین که با اجازه شهرداری در خیابانها ساخته میشود یا اشجاریکه اطراف جاده ها غرس میگردد و با امتیازاتیکه دولت برای بهره برداری از محصول معادن بشرکتها و اشخاص میدهد .

در موارد نامبرده دولت میتواند از اجاره بهاء یا قطع درختها یا حق الامتیاز بفتح خزانه عمومی استفاده نماید ولی بدون رعایت حقوق عمومی و انجام تشریفات قانونی از هر گونه نقل و انتقال اموال عمومی ممنوع است .

۵ - خالصجات دولتی (بعکس اموال عمومی که متعلق بعموم است) عبارت از اموال منقول یا غیر منقول است که متعلق بدولت است یعنی همانطوریکه اشخاص میتوانند خانه - ملک - جواهرات را به ملکیت خود در آورند دولت نیز که یک شخصیت حقوقی است صلاحیت دارد مالک دارائیهای مزبور گردد - بنا بر این خالصجات دولتی مانند ثروت آحاد و افراد نامی قابل توقیف و انتقال بوده و مشمول مرور زمان میگردد منتهی چون عوائد خالصجات بخرانه کشور میروند تشریفات انتقال آن طبق مقررات خاصی (خرید و فروش بطور مناقصه و مزایده) انجام گرفته و مرجع رسیدگی بدعاوی مربوط باین قبیل اموال دیوان دادرسی وزارت دارائی است بغیر از موارد مذکور در بالا یا مواردیکه صریحاً طبق قوانین مخصوص استثناء گردیده رژیم خالصجات دولتی مانند اموال عادی تابع مقررات قانون مدنی است .

بنا بر این ملاحظه میشود که خالصجات دولتی بمرور زمان - بیع و شری و سایر اسباب مالکیت قابل تصرف و تملک خصوصی است و حال آنکه اموال عمومی متعلق بعامه بوده و هیچ عنوان قابل تملک فردی یا خصوصی نمیشود.

محمد - اعتضاد بروجردی

بحث در تلف بمبیع قبل از قبض مشتری

یکی از موضوعات مهمی که مورد بحث علماء اسلامی واقع شده آنستکه بمبیع قبل از قبض مشتری در ید بائع تلف شود بواسطه آفات سماوی قدر متیقن از نظریه فقهاء و مستفاد از خبر نبوی (ص -) «کل مبیع تلف قبل قبضه فیهومن مال بائعه» و اخبار دیگر آنستکه بمبیع در ید بائع بواسطه آفت سماوی تلف شود و برای بائع و مشتری در آن معامله خیار مقرر نشده باشد و در سایر شقوق متصوره ذیل نظریه فقهاء مختلف است.